



Barriers to the Employment of Physically-motor Disabled People: A Qualitative Study

Mohammad hadi Safi¹, Yaser Rezapour², Mohammad Aminian Nodoushan^{3*}

1- Department of Counseling and Psychology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Assistant Professor, Ardakan University, Yazd, Iran.

2- Department of Counseling and Psychology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Associate Professor, Ardakan University, Yazd, Iran.

3- Counseling Department, Faculty of Humanities and Social Sciences, Master's Degree, Ardakan University, Yazd, Iran.

Corresponding Author: Mohammad Aminian Nodoushan, Counseling Department, Faculty of Humanities and Social Sciences, Master's Degree, Ardakan University, Yazd, Iran.

Email: mohammadaminian77@gmail.com

Received: 2022/12/8

Accepted: 2024/2/13

Abstract

Introduction: One of the primary concerns for individuals with disabilities and their families is the issue of employment. This concern is emphasized by many counseling experts. With this in mind, the current study aims to qualitatively investigate the barriers to employment for physically-motor disabled men.

Methods: This research is qualitative in nature, utilizing a phenomenological approach. The study was conducted using the method of lived experience. The population of interest consisted of all individuals with physical-motor disabilities in Yazd city in 2022. The sample for this research was selected from men using targeted and accessible sampling. The sample size continued until data saturation was reached, resulting in 12 interviews. The data was analyzed using the seven-step Claizey coding method.

Results: The interviews revealed three main themes related to the barriers to employment for people with disabilities: 1) environmental and societal factors, 2) family factors, and 3) individual and internal factors. Additionally, 18 sub-themes were identified regarding the employment barriers for individuals with physical-motor disabilities.

Conclusions: Due to the unique challenges faced by individuals with disabilities, many obstacles exist in the realm of employment. This article investigates and highlights these obstacles. In order to mitigate the barriers to employment for people with disabilities, a program is needed. Structural and functional planning at various levels is necessary to address this issue.

Keywords: Physically-motor disabled, Employment, Barriers.



موانع اشتغال معلولین جسمی - حرکتی: یک مطالعه کیفی

محمدهادی صافی^۱، یاسر رضاپور میر صالح^۲، محمد امینیان ندوشن^{۳*}

۱- گروه مشاوره و روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، استادیار، دانشگاه اردکان، یزد، ایران.
۲- گروه مشاوره و روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشیار، دانشگاه اردکان، یزد، ایران.
۳- گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، کارشناسی ارشد، دانشگاه اردکان، یزد، ایران.

نویسنده مسئول: محمد امینیان ندوشن، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، کارشناسی ارشد، دانشگاه اردکان، یزد، ایران.
ایمیل: mohammadaminian77@gmail.com

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۹/۱۷

چکیده

مقدمه: از جمله دغدغه های اصلی معلولین و خانواده های آنها، مسئله ی اشتغال این افراد می باشد که بررسی همه جانبه ی آن مورد تاکید بسیاری از متخصصین حوزه مشاوره می باشد. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی کیفی موانع اشتغال معلولین مرد جسمی - حرکتی انجام گرفت.

روش کار: پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت از نوع کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی و به لحاظ اجرا به روش تجربه زیسته انجام شده است. جامعه پژوهش حاضر کلیه ی معلولین جسمی - حرکتی شهر یزد در سال ۱۴۰۱ بودند. در این پژوهش نمونه آماری به روش نمونه گیری هدفمند و در دسترس از میان جنس مردان انتخاب شد. حجم نمونه تا رسیدن به اشباع داده ها ادامه داشت و در نهایت ۱۲ مصاحبه انجام شده است. به منظور تحلیل داده ها از روش کدگذاری به روش هفت مرحله ای کلایزی استفاده شده است.

یافته ها: نتایج حاصل از مصاحبه ها نشان داد که موانع اشتغال معلولین در سه مضمون اصلی ۱. محیط و اجتماع ۲. خانواده ۳. فردی و درونی قابل بررسی است. همچنین، در خصوص موانع اشتغال معلولین جسمی - حرکتی ۱۸ مضمون فرعی شناسایی شد.

نتیجه گیری: با توجه به تفاوت های ویژه ای که در معلولیت ها مشاهده می شود، این افراد با موانع بسیاری در زمینه اشتغال مواجه هستند که در این نوشتار به بررسی آنها پرداخته شده است بنابراین به منظور کاهش موانع اشتغال معلولین نیازمند برنامه ریزی ساختاری و کاربردی در سطوح مختلف هستیم که این امر تحقق یابد.
کلیدواژه ها: معلولین جسمی - حرکتی، اشتغال، موانع.

مقدمه

معلولیت واقعیتی انکارناپذیر بوده و در همه ی جوامع بشری از ادوار دور تا به امروز وجود داشته و دارد. معلولیت نتیجه ی یک اختلال جسمانی، روانی و ذهنی بوده که خواه ناخواه انجام یک یا چند نقش روزمره ی یک انسان را تحت تاثیر قرار داده و آن را کاهش می دهد (۱).

درک مشکلات توسط خانواده و ارتباط عاطفی آنها می تواند در عملکرد افراد نقش داشته باشد و هرچه افراد مسن تر

می شوند، تعداد و درصد افراد دارای معلولیت و ناتوان افزایش می یابد (۲). حدود یک سوم از سرپرست خانواده حداقل به طور موقت قبل از رسیدن به سن ۵۰ سالگی ناتوان و معلول می شوند (۳). امروزه به رغم پیشرفت های به وجود آمده در زمینه های علم و فناوری و آگاهی عمومی نه تنها از تعداد معلولین کاسته نشده، بلکه هر ساله بر تعداد این گروه از جامعه افزوده می شود (۴).
کارکردن و امرار معاش افراد دارای معلولیت نیز از مشکلات

بر زندگی فردی و اجتماعی معلولین دارد و اصلی ترین چالش زندگی آنهاست. این مسائل نه تنها بر معلولین بلکه بر خانواده ها و دوستان نزدیک آنان و تقریباً بر همه افراد جامعه تاثیر می گذارد (۱۰).

قابل ذکر است که نیازهای معلولین را می توان در سه بعد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و روانی دسته بندی کرد. معلولین نیاز به مناسب سازی فضای شهری، حمل و نقل و فرهنگ سازی را در درجه اول اهمیت قرار می دهند و پس از آن به نیازهای دیگر از جمله اشتغال، مسکن، کمک هزینه و عدم ترحم اشاره می کنند (۱۱). آنها همچنین نیاز خود را به تجهیزات و امنیت، آموزش های ویژه به خود و خانواده های خود، ازدواج و محبت، اعتماد به نفس، بیمه و حضور کارکنان مناسب در بهزیستی و دیگر سازمانهای مرتبط با معلولین اشاره کرده اند (۱۲).

بنابراین در این پژوهش تجارب معلولین جسمی - حرکتی در راستای موانع اشتغال این افراد مورد بررسی قرار گرفت چرا که موانع اشتغال نمی تواند جدا از بستر جامعه، معلول، نوع معلولیت، اعضای خانواده و سیستم های جاری در کشور، فراهم و درک شود. بنابراین ترسیم یک تصویر کامل که موانع اشتغال معلولین را با حداکثر تنوع نشان بدهد، نه با مطالعات توصیفی - مقطعی بلکه به کمک مطالعات کیفی و با روش هایی همچون مصاحبه های عمیق، مشاهده ای این معلولان و ... امکان پذیر است. به همین علت و با توجه به ماهیت فرایندی بودن پدیده ای اشتغال و شکل گیری آن در بستری از تعاملات فرهنگی، فردی، اجتماعی و سازمانی، رویکردها و روش های کیفی مثل پدیدارشناسی برای مطالعه ای این پدیده مناسب تر می باشد که در پژوهش های موجود، از این رویکرد استفاده نشده است؛ به طوری که ما در حال حاضر حتی در مورد نیازهای معلولین جسمی - حرکتی و خانواده های آنها و اینکه چگونه این نیازها از یک فرد معلول به فرد معلول دیگر، از یک خانواده به نوع، اولویت و ... متفاوت می باشند، اطلاعات کمی داریم؛ به همین دلیل در تبیین موانع اشتغال و چگونگی پیشگیری از بیکاری معلولین هم نقایص واضحی در دانش و تجارب ما بخصوص در معلولین جسمی - حرکتی دیده می شود. از این رو درک موانع اشتغال مطابق دیدگاه معلولین در این زمینه ضروری است، چرا که آگاهی از دیدگاه آنان می تواند کمک موثری در پیشگیری از بیکاری آنان باشد.

آنان و جامعه است ولی در هر کشور تدابیری برای این امر اندیشیده شده است. این تدابیر ممکن است در برخی موارد زاینده اندیشه فردی باشد و گاه بر اثر تجربه و زمانی نتیجه اندیشه و تجربه توأم با روش های علمی و سنجیده باشد. برای استفاده از افراد دارای معلولیت نیاز به پایگاه، جایگاه و آموزش وجود دارد. طبقه بندی آنان و راهنمایی حرفه ای و انجام خدمت ویژه از جمله کارهایی است که می توان برای معلولین انجام داد (۵).

فرصت های استخدامی برای معلولین اندک است و در اغلب کشورها از جمله ایران، قوانینی مبنی بر الزام کارفرمایان برای به کارگماشتن معلولین وضع شده است ولی گاه دیده می شود که در اجرای این قوانین اهمال شده و از به کارگیری این افراد در مشاغل که استعداد و توانایی انجام دانشان را دارند، به دلیل نداشتن ظاهر مورد قبول جامعه، سر باز زده می شود (۶).

اگر معلولیت مانعی برای اشتغال معلولین به شمار آید، باعث سقوط وی به مرحله ی وابستگی شده و هزینه های مضاعف معلولیت را به خانواده ی فرد تحمیل خواهد کرد. بنابراین بدیهی است معلولین نیز همچون سایر آحاد جامعه در دورنمای زندگی اجتماعی، برای تأمین نیازهای متعارف زندگی به کسب درآمد قائل اند. داشتن شغل برای معلولین فراتر از دستیابی به موفقیت اقتصادی است زیرا کار و کوشش اثرات درمانی داشته و ارتباط فرد را با جامعه فراهم کرده و به او احساس سربلندی و توانمندی می دهد (۷).

فورد و همکاران معتقدند بدون حمایت و پشتیبانی حامیان همانند خانواده، دوستان و مؤسسات، معلولین قادر به حفظ شغل خود نخواهند بود. درحالی که نزدیکان و حامیان اعتقاد به استقلال فرد معلول از یک زمان خاصی دارند، حمایت مناسب در کار از معلولین از جمله ضرورت های موفقیت شغلی آنان است، هر چند شدت معلولیت بر کسب درجات عالی تحصیلات مؤثر است ولی تحقیقات نشان می دهد که هر چه میزان تحصیلات معلولین بالاتر باشد فرصت کسب شغلی بیشتری خواهند داشت. مضافاً اینکه نگرش تعصب آمیز به معلولین موقعیت های اشتغال کمتری را برای آنها به همراه داشته است و یا اینکه در مواردی به از دست دادن شغل وی منجر شده است (۸).

پژوهش های انجام شده در این زمینه بیانگر آن است که معلولین در کشورهای مختلف و در مقایسه با سایر افراد جامعه امکانات اولیه زندگی مانند بهداشت، مسکن، آموزش، ازدواج و شغل مناسب ندارند (۹). وجود این تبعیض ها، آثار زیانباری

روش کار

جامعه پژوهش حاضر همه ی معلولین جسمی- حرکتی شهر یزد در سال ۱۴۰۱ بودند. نمونه آماری به روش نمونه گیری هدفمند و در دسترس و به دلیل شرایط خاص مصاحبه شونده‌گان و توانایی ارتباط گیری بهتر در انجام مصاحبه ها، از میان جنس مردان انتخاب شد و نهایتاً ۱۲ مصاحبه از بین مردان دارای معلولیت جسمی- حرکتی شهر یزد انجام گرفت. معیار ورود افراد به پژوهش، رضایت آگاهانه شرکت کنندگان در پژوهش، دارا بودن شرایط سنی برای اشتغال و تمایل به شرکت در مطالعه و توانایی بیان تجارب، از دیگر معیارهای ورود به این مطالعه بود، که برای شناسایی افراد دارای معیار ورود به پژوهش از سازمان های در ارتباط با جامعه پژوهش درخواست همکاری به عمل آمد.

داده های این پژوهش از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع آوری گردید. محقق پس از توضیح در خصوص عنوان و اهداف پژوهش و کسب رضایت آگاهانه مشارکت کنندگان در پژوهش با توجه به لیست سوالات اولیه تدوین شده توسط تیم پژوهش، اقدام به انجام مصاحبه با هر کدام از مشارکت کنندگان در پژوهش نموده و در حین مصاحبه، به مشارکت کننده گفته شد که می تواند هر چیزی را در ارتباط با مفهوم «معلولیت، موانع اشتغال» که به ذهنش می رسد و در چهارچوب سوالات گنجانده نشده است عنوان نماید، زیرا هدف رسیدن به عمق تجربه ی آنان است. هر جلسه مصاحبه با دو سؤال خاتمه می یافت «به نظر تان سؤال دیگری هست که باید مطرح می کردم و آیا از من سؤالی دارید». جمع آوری اطلاعات تا اشیاع داده ها ادامه یافت، به طوری که مفاهیم جدیدی در صحبت های مشارکت کنندگان به دست نیامد. زمان مصاحبه، بستگی به وضعیت شرکت کننده بین ۴۰ تا ۹۰ دقیقه طول کشید. هر زمان که صحبت های شرکت کنندگان به پایان می رسید یا اینکه خسته می شدند، به مصاحبه خاتمه داده می شد. بر حسب انتخاب مصاحبه شونده‌گان، مصاحبه در اداره، محل کار، فضای باز و... انجام شد.

در صورت نیاز، ادامه ی مصاحبه به وقتی دیگر موکول می شد. نوبت دوم مصاحبه به منظور کامل کردن اطلاعات جمع آوری شده از هر یک از شرکت کنندگان و روشن کردن نکات مبهم گفته های قبلی ترتیب داده می شد. در ضمن اطلاعات مربوط به سن، جنسیت، شغل، تحصیلات و نوع

معلولیت نیز ثبت شد که صرفاً برای توصیف بهتر شرکت کنندگان به کار می آید. زمان مصاحبه، با هماهنگی با شرکت کنندگان تنظیم شد. پس از اولین مصاحبه و دست نویس کردن اطلاعات، مطالب از نظر ناقص بودن یا نامفهوم بودن، مورد بررسی قرار داده شدند. در این پژوهش از موارد ذیل جهت ارتقاء صحت و مقبولیت داده‌ها استفاده شد:

یافته‌های پژوهش با افرادی که به نوعی گروه هدف پژوهش محسوب می شدند یعنی معلولین جسمی - حرکتی به اشتراک گذاشته شد و مورد بازبینی قرار گرفت. همچنین، مصاحبه‌ها به همراه کدها و مضامین پدیدار شده، در طی چندین جلسه به ناظرین پژوهش ارایه گردید تا جریان تجزیه و تحلیل داده‌ها را بررسی و در مورد صحت آن اعلام نظر نمایند (بازنگری همکاران). علاوه بر این یافته‌ها، نیز با دو نفر از اعضای هیات علمی در داخل و خارج از دانشگاه که جزء مشارکت کنندگان در پژوهش نبودند، به اشتراک گذاشته شد و مورد بازبینی متخصصین خارجی نیز قرار گرفت و نظرات آنان مورد بررسی و در جهت افزایش مقبولیت داده‌ها، مورد استفاده قرار گرفت.

به علاوه یافته‌های این پژوهش با یک نفر از مشاوران دارای مدرک دکتری که تجربه ی کار با معلولین جسمی - حرکتی را داشت و جزء مشارکت کنندگان نبود، به اشتراک و مباحثه گذاشته شد (استفاده از نظرات تکمیلی همکاران). نتیجه این هم‌اندیشی‌ها، اطمینان یافتن از مسیر پژوهش بود.

اختصاص زمان کافی برای جمع‌آوری داده‌ها، درگیری طولانی مدت پژوهشگر با داده‌ها، مصاحبه و مشاهده طی جلسات و زمان های مختلف در مراکز مرتبط با پژوهش، بررسی داده‌ها توسط اساتید تیم پژوهش و اساتید داور و بازنگری به وسیله ی همتایان خارج از تیم پژوهش، همچنین بازبینی توسط مشارکت کنندگان، شیوه‌هایی بودند که برای بررسی وجود منطبق و عمق در داده‌ها و قضاوت در مورد نحوه ی جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، مورد استفاده قرار گرفتند. علاوه بر این پژوهشگر تلاش نمود که به‌طور گسترده ادبیات مرتبط با پژوهش را مطالعه کند و نه تنها با افراد صاحب‌نظر در حوزه ی اشتغال معلولین صحبت و بحث کند و از آنها بخواهد که نظر و برداشت خود را بیان نمایند.

داده‌ها طبق رویکرد توصیفی و روش کدگذاری کلایزی آنالیز و تحلیل شد و سپس درون مایه‌های اصلی استخراج

که با اتفاق نظر انتخاب شده بودند، به صورت خلاصه‌ای روایت وار نوشته می شدند. توصیف روایتی، به منظور بیان یافته‌ها در قالب جملات بدون ابهام و به صورت خلاصه است.

بازگشت به منظور تعیین اعتبار: نتایج برای شرکت کنندگان شرح داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا نظرات و واکنش‌های خود را راجع به نتایج ارائه دهند. به منظور تعیین قابلیت پیگیری: فعالیت‌های روزانه فرایند تحقیق، توسط پژوهشگر به صورت گزارش کتبی نوشته شد و تجربه‌ی شخصی خود نیز در برخورد با شرکت کنندگان ثبت شد. همچنین در طول تحقیق در صورتی که لازم بود، سؤالاتی به مصاحبه اضافه و یا از آن حذف می شد. جمع آوری داده‌ها و تحلیل آن در مطالعه، همزمان انجام شد. برای رعایت اخلاق پژوهش، کسب اجازه و رضایت نامه از افراد دارای معلولیت جسمی - حرکتی و محفوظ نگه داشتن هویت فردی آنان انجام شد.

یافته‌ها

مشخصات جمعیت شناختی افراد مصاحبه شونده به این شرح بود:

شد. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری به روش هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده شد که شامل مراحل زیر بود:

مروری بر تمام اطلاعات: در این مرحله، اطلاعات مکتوب مربوط به مصاحبه‌ها چندین مرتبه خوانده می شد تا محتوای کلی آن درک شود.

بیرون کشیدن جملات مهم: عبارات، جملات یا پاراگراف‌هایی که مربوط به سؤالات پرسیده شده در مصاحبه‌ها هستند، جدا شده و در فایل‌های جداگانه‌ای نگهداری می شدند.

ایجاد معانی فرموله شده: برای هر جمله‌ی مهم، یک توصیف کوتاه از معنی پنهان در آن نوشته می شد، سپس معانی بیرون کشیده از جملات با هم ترکیب شدند تا یک معنی مشترک حاصل شد.

قراردادن معانی فرموله شده در داخل دسته‌ها و شکل دادن مضامین (تم‌ها) در درون دسته‌های مختلف: مضامین در این مرحله، عبارات و جملات کوتاهی از معانی فرموله شده بود. تکرار مضامین، یکی از شاخص‌های اعتبار بود که برای تعیین اعتبار داده‌ها در این مرحله، یک نفر از ما مضامین به دست آمده را با اطلاعات تطبیق می داد.

ایجاد یک توصیف روایتی مختصر: مفاهیم کلیدی اطلاعات

جدول ۱. توزیع فراوانی مصاحبه شوندگان بر اساس مشخصات جمعیت شناختی

مصاحبه شونده	سن	نوع معلولیت	تحصیلات	وضعیت اشتغال
۱	۳۱	فلج دو پا	دیپلم	دارد
۲	۳۶	فلج مغزی اسپاستیک	دیپلم	ندارد
۳	۲۷	ضایعه نخاعی	لیسانس	ندارد
۴	۴۲	فلج یک پا	زیردیپلم	دارد
۵	۲۸	نابینا	فوق دیپلم	دارد
۶	۳۳	دیستروفی عضلانی	زیردیپلم	ندارد
۷	۲۲	ضایعه نخاعی	دیپلم	ندارد
۸	۲۵	ضایعه نخاعی	دیپلم	ندارد
۹	۳۷	فلج مغزی	فوق دیپلم	دارد
۱۰	۲۴	نوروپاتی	فوق دیپلم	ندارد
۱۱	۲۳	نوروپاتی	دیپلم	ندارد
۱۲	۲۶	فلج هر دو پا	لیسانس	ندارد

نتایج برگرفته از مصاحبه با معلولین جسمی - حرکتی در خصوص موانع اشتغال معلولین جسمی حرکتی به این شرح بود:

جدول ۲. مضامین مستخرج از مصاحبه ها مرتبط با «موانع اشتغال معلولین جسمی حرکتی»

مضمون اصلی	مضامین فرعی	مضامین اولیه
		فقدان اطمینان کارفرمایان به قابلیت های معلولین و استفاده نکردن از تجهیزات مناسب با توانمندی های معلولین
		فقدان همکاری نهاد ها و سازمان ها در به کارگیری معلولین در مشاغل
	موانع قانون گذاری و ساختاری	نامناسب بودن قوانین اجتماعی و بیمه ای حمایت کننده از معلولین
		فقدان بانک اطلاعاتی و آمار دقیق از معلولین شاغل، متقاضی اشتغال و...
		فقدان تعریف و طبقه بندی مشخص از مشاغل در دسترس برای معلولین در قوانین
		فقدان یک نهاد و سازمان مستقل و مشخص برای دفاع از اشتغال و حقوق معلولین
موانع در محیط و اجتماع	موانع آموزشی و مهارتی	تایید نشدن گواهینامه آموزشی صادره از سوی سازمان بهزیستی توسط وزارت کار و رفاه اجتماعی
		فقدان وجود مربیان کارآموزده فنی و حرفه ای برای آموزش به معلولین
		فقدان تمایل یا کمبود مراکز آموزشی به آموزش مهارت های شغلی و توانبخشی حرفه ای به معلولین
	موانع زیرساختی و محیط کار	مشکلات رفت و آمد و تردد تا محل کار
		مشکلات زیرساختی محل کار و عدم تناسب با شرایط معلولین
	فرهنگ سازی منفی	دید منفی و عدم پذیرش جامعه
موانع در خانواده	فقدان حمایت نگرش منفی	فقدان رفتار حمایتی اعضای خانواده از شاغل شدن فرد معلول
		فقدان نگرش مثبت و اعتماد اعضای خانواده نسبت به توانایی های فرد معلول
	خودناباوری	پایین بودن میزان اعتماد به نفس در معلولین و انزوا، گوشه گیری و بی انگیزگی در برخی معلولین
		پایین بودن قدرت خطر پذیری معلولین در ایجاد شغل و کارایی
موانع فردی و درونی	فقدان مهارت آموزشی	فقدان مهارت های لازم شغلی در معلولین
		فقدان جدیت در برخی معلولین برای یادگیری مهارت ها

اجرایی و پیگیری کننده متولی در قانون مشخص نشده بود ولی در سال ۱۳۹۵، سازمان اداری و استخدامی وارد موضوع شد و قانون حمایت از حقوق معلولین در اسفند ماه سال ۱۳۹۶ تصویب شد که ماده ۱۵ آن حداقل سهمیه ۳ درصد استخدامی را اختصاص داد».

بنابراین عدم وجود ضمانت اجرایی لازم باعث شده است که عملاً دستگاه های اجرایی کشور از این قانون سرباز بزنند و آن را اجرایی ننمایند. همچنین به نظر می رسد که قوانین موجود کافی نبوده و نیاز است که برای حمایت از اشتغال معلولین در زمینه های مختلف، ابتدا «تعریف و طبقه بندی مشخص از مشاغل در دسترس برای معلولین در قوانین» ارائه شود و یک نهاد و سازمان مستقل و مشخص برای دفاع از اشتغال و حقوق معلولین ایجاد شود و ساز و کار مشخص، قوانین بیمه ای و... به خوبی تدوین شوند.

مصاحبه شونده شماره ۴ در خصوص موانع قانون گذاری و ساختاری ابراز داشت:

«شعار (معلولیت، محدودیت نیست) را بارها و بارها شنیده‌ایم، اما چیزی که در عمل وجود داره خلاف این شعاره. با یک نگاه اجمالی می‌بینیم افراد دارای معلولیت

در خصوص موانع اشتغال معلولین جسمی- حرکتی ۳ مضمون اصلی «موانع در محیط و جامعه، موانع در خانواده و موانع فردی و درونی» ۸ مضمون فرعی و ۱۸ مضمون اولیه شناسایی شد که در ادامه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

یافته های به دست آمده از مصاحبه با معلولین نشان داد که می توان موانع اشتغال معلولین را در سه حوزه ۱. جامعه و محیط، ۲. خانواده و ۳. درونی و فردی پیگیری نمود.

محیط و اجتماع

یکی از مضمون های اصلی جامعه و محیط می باشد، که در برگرفته چهار مضمون فرعی موانع قانون گذاری و ساختاری، موانع آموزشی و مهارتی، موانع زیرساختی و فضای کار، فرهنگ سازی و عدم پذیرش جامعه می باشد.

موانع قانون گذاری و ساختاری

برخی از مشکلات و موانعی که بر سر راه اشتغال معلولین وجود دارد، ناشی از عدم قانون گذاری صحیح در این حوزه و عدم اجرای قوانین موجود می باشد. به عنوان مثال، «در قانون جامع حمایت از حقوق معلولین مصوب سال ۱۳۸۳، سهمیه استخدام ۳ درصد وجود داشت، اما عملاً ضمانت

«شرایط ویژه افراد دارای معلولیت طوری که توانایی‌های بالقوه آن‌ها نادیده گرفته می‌شود، به طوری که بسیاری از مراکز آموزشی مستقل و توانبخشی حرفه ای نسبت به آموزش افراد دارای معلولیت تمایلی ندارند، اگرچه افراد دارای معلولیت، موفق به کسب آموزش‌های لازم هستند اما به بهانه‌های مختلف از فرصت آموزش محروم می‌شوند.»
مصاحبه شونده شماره ۸ در خصوص موانع آموزشی و مهارتی ابراز داشت:

«موسسات فکر می‌کنند، افراد دارای معلولیت نه تنها توانایی برخوردار از یک موقعیت شغلی را ندارند، بلکه در یادگیری و آموزش مهارت‌ها نیز ناتوانند. برخی موسسات و مراکز توانبخشی به صورت پیش فرض ما را در یادگیری بسیاری از مهارت‌ها محروم می‌کنند، در حالی که از مطالبات جامعه افراد دارای معلولیت و به آن نیازمندیم.»

موانع زیرساختی و فضای محیط کار

اغلب محیط‌های شغلی، سازمان‌ها، اداره‌ها و انواع مشاغل ما به گونه ای است که معلولین نمی‌توانند در این محیط‌ها مشغول به کار شوند و استانداردهای لازم در نظر گرفته نشده است. به عنوان مثال فرد معلولی که با ویلچر رفت و آمد می‌کند، باید ورودی ساختمان، اتاق‌ها، چیدمان صندلی و میز و ... به گونه ای باشد که این فرد بتواند به سهولت تردد کنند، اما آنچه از تجربیات معلولین بر می‌آید اغلب اینگونه نیست. همچنین، معلولین برای تردد به محل کار نیز با مشکل رفت و آمد، هزینه ایاب و ذهاب و ... مواجه هستند.

مصاحبه شونده شماره ۲ در خصوص موانع زیرساختی و محیط کار ابراز داشت:

«انتظارات زیادی از مسئولان داریم ولی مهم‌ترین آنها مناسب‌سازی فضای شهری و فراهم کردن زمینه اشتغال، ما باید ۱۰۰ درصد انرژی خود را بذاریم، حرفی هم نداریم و نمی‌تونیم دست روی دست بذاریم. وقتی ما انرژی می‌ذاریم اما یک مانع جدی رو به روی خودمان می‌بینیم، ناامید می‌شیم و عده‌ای تا حدودی از ادامه راهشان منصرف می‌شن چون ظرفیت روانی افراد با همدیگر متفاوت است، شاید تعدادی بتوانند از روی سد عبور کنند اما برخی هم متوقف می‌شن و راهی برای رشد و ترقی خود پیدا نکنند. مسئولان اگر کاری برای ما نمی‌کنند؛ حداقل سد راه ما نباشند، کنار بایستند و کارمان را به خودمون بسپارند؛ مطمئن باشند از عهده کار خود برمی‌آییم.»

با محدودیت‌های بی‌شماری دست‌وپنجه نرم می‌کنند و از بیشتر حقوق و مزایای قانونی‌ای که برایشان تعریف شده محروم‌اند، دو سال پیش در آزمون استخدامی شرکت کردم. پس از اینکه مرحله اول را با موفقیت سپری کردم، برای تحویل مدارک، حضوری به اداره مرجع رفتم. من به دلیل معلولیت جسمی - حرکتی از واکر استفاده می‌کنم، به همین دلیل یک کمیسیون پزشکی برای بررسی شرایطم تشکیل شد و در نهایت اعلام کردند «شرایط خوبی برای استخدام» ندارم. اعضای کمیسیون درباره توانایی حضور من در روستاها پرسشی را مطرح کردند. من همان‌طور که در دوران دانشجویی زندگی خود را به تنهایی مدیریت کرده بودم، توانایی زندگی در یک روستا را نیز داشتم، اما نمی‌دانم چرا پذیرفته نشدم. قطعاً معلولیت پای من، هیچ ارتباطی با مهارت‌ها در تدریس ندارد. اگر مشکلشان با واکر من بود، حاضر بودم آن را کنار بگذارم و با عصا به کلاس بروم.»

مصاحبه شونده شماره ۱۰ در خصوص موانع قانون گذاری و ساختاری ابراز داشت:

«هیچ کدام از سازمان‌ها به هیچ وجه نیروی معلول را استخدام نمی‌کنند، دستگاه‌های دیگر هم به صورت صوری سهمیه می‌گذارند و می‌گویند که ما ۳ درصد را رعایت کردیم ولی می‌گویند بعد از آزمون اگر حد نصاب نمره را کسب نکنید نمی‌تونید وارد مجموعه بشین، آنها معتقدند که ما می‌خواستیم ولی افراد دارای معلولیت نتوانستن. در صورتی که معلول می‌تونه ولی چون عقل افراد به چشمشونه و ظاهر رو می‌بینن فکر می‌کنن فرد معلول از توان انجام کار خارجه و توانمند نیست. آنان را تا مرحله مصاحبه می‌کشونیم و سپس در آن مرحله ردشون می‌کنیم.»

موانع آموزشی و مهارتی

بسیاری از معلولین از نظر آموزش و مهارت دچار ضعف و کاستی هستند و جامعه‌انگونه که باید به این موضوع نپرداخته است و فقدان مراکز آموزشی مستقل، کمبود مراکز توانبخشی حرفه ای کاربایی و اشتغال معلولین، عدم تمایل برخی از مراکز فنی و حرفه ای به آموزش به معلولین، آماده نبودن زیرساخت‌های آموزشی در این زمینه و ... همه از موانع اشتغال معلولین در این حوزه است.

مصاحبه شونده شماره ۱ در خصوص موانع آموزشی و مهارتی ابراز داشت:

مصاحبه شونده شماره ۴ در خصوص موانع زیرساختی و محیط کار ابراز داشت:

«مسئولان بابت رفع موانع محیطی منت سر افراد دارای معلولیت می گذارن، چون وقتی جایی مناسب سازی شده باشه افراد سالم هم راحت تر تردد می کنن، اگر ورودی یک پارک یا فروشگاه پله نداشته باشه نه تنها من صندلی چرخدار نشین، من ناتوان جسمی حرکتی، بلکه همه مردم از آنجا به راحتی استفاده می کنن.»

دید منفی در پذیرش جامعه

بسیاری از مردم هنوز نتوانسته اند حضور معلولین را بپذیرند و به توانمندی ها و کارآمدی آنها اعتماد و باور ندارند. دید منفی جامعه و عدم اعتماد، از مهمترین مشکلات اشتغال این قشر است. عدم همکاری نهادهای و سازمان ها در به کارگیری معلولین، نگرش منفی جامعه نسبت به کارایی ها و توانمندی های معلولین، عدم شناخت و اعتماد جامعه نسبت به توانمندی های معلولین از مهمترین مشکلات در این زمینه است.

تأثیر بیکاری در تمامی سنین و تمامی شرایط در معلولین مشهود است و بسیاری از معلولین به دلیل ارج نهادن بر مهارت هایشان از سوی کارفرمایان با فرصت های شغلی کمتری روبرو می شوند. خیلی از افراد تصور درستی از یک فرد معلول ندارند و فکر می کنند معلول کسی است که روی ویلچر می نشیند و قادر به انجام هیچ کاری نیست، ولی حضور معلولین در عرصه های مختلف و انجام کارهایی که گاه افراد غیرمعلول نیز قادر به انجام آن نیستند خلاف این مدعا را ثابت می کند.

مصاحبه شونده شماره ۱۱ در خصوص دید منفی و عدم پذیرش جامعه ابراز داشت:

«بزرگترین مشکل افراد دارای معلولیت را نوع نگاه مردم به افراد دارای معلولیت هست البته وقتی سال پیش در جشنواره روستایی آثار خود و خواهرم ارائه شد؛ مورد تشویق قرار گرفت و نگاه مردم بسیار عوض شده و به همین دلیل بسیار مشتاق حضور در نمایشگاه ها هستند اما با توجه به اینکه خانواده توان تأمین ابزار کار را ندارن، نمی توان به تولید انبوه کار پرداخت و ناگزیر از فروش تابلوهای خود برای خرید لوازم هستیم.»

مصاحبه شونده شماره ۷ در خصوص دید منفی و عدم پذیرش جامعه ابراز داشت:

«مشکل که زیاد است اما نگاه مردم آرام می دهد، همه

می گفتن تو گناه بزرگی کردی که معلول شده ای، تو نفرین شده ای، البته تقصیر هم ندارند این صدا و سیماست که این را یادشون داده، در همه فیلم ها عاقبت افراد بدجنس، ویلچرنشینی است.»

خانواده

بخش دیگری از مشکلات اشتغال معلولین جسمی - حرکتی را باید در حوزه خانواده پیگیری نمود. نهاد خانواده نهادی است که باید نقش تسهیلگر و حمایت کننده از فرد معلول را داشته باشد و در همه ی زمینه ها حامی فرد معلول باشد که اغلب نیز اینگونه هست، اما در برخی از زمینه ها نتوانسته است نقش و کارکرد خود را به خوبی ایفا نماید. از عمده ترین مشکلات در این زمینه، چنانچه از مصاحبه های پژوهش به دست آمد می توان به این موارد اشاره نمود: فقدان رفتار حمایتی اعضای خانواده از شاغل شدن فرد

معلول

توقعات غیرمنطقی باعث می شود که فرد موقعیت و شرایط واقعی زندگی خود را درک نکند و همین مساله به مشکلاتی در انتخاب شغل مناسب منجر می شود. توقعات نامعقول و عدم رفتار حمایتی اعضای خانواده باعث انتظارات غیرواقع بینانه از طرف مقابل می شود و در نتیجه باعث چالشی در زمینه ی اشتغال فرد معلول می گردد.

مصاحبه شونده شماره ۹ در خصوص فقدان رفتار حمایتی اعضای خانواده از شاغل شدن فرد معلول ابراز داشت:

«پایین بودن حقوق و دستمزد و ناکافی بودن آن برای پوشش دادن تمام هزینه های زندگی یک معلول از جمله مشکلات مرتبط با اشتغال افراد دارای معلولیت. در یکی از مراجعاتم به اداره بهزیستی شاهد بودم که مددجویی برای اشتغال به یک کارگاه معرفی شده بود، اما پس از گذشت تنها سه روز از هفته اول حضور معلول در محل کار؛ پدر و مادر او با گلابه ی فراوان با اداره بهزیستی تماس گرفته بودن و خواهان آن بودن که تا دیگر فرزندشان در محل کار خودش حاضر نشود؛ وقتی مددکار اداره اشتغال بهزیستی علت مخالفت پدر و مادر فرد معلول با سر کار رفتن او را جویا شد، پدر و مادر فرد معلول عنوان کردن که طی سه روزی که او برای کارآموزی به سر کار رفته است؛ خرج کرایه تاکسی تلفنی او ۱۲۰ هزار تومان شده است و با این حساب در آخر ماه کل دستمزد او تنها صرف هزینه رفت و آمدش می شه و چیزی از دستمزد برای خودش باقی نمی مونه.»

مالی خانواده برای اشتغال فرد معلول و عدم اطمینان به سرمایه گذاری ابراز داشت:

«هزینه های زندگی بسیار بالا رفته و ما هم به علت معلولیت، هزینه های بیشتری داریم. این ویلچر که چند سال پیش با قیمت بسیار مناسبی قابل خرید بود، در یک سال گذشته قیمت بسیار بالایی پیدا کرده و بسیاری از نیازمندان، قدرت خرید را ندارند. فقط ویلچر به این افزایش قیمت دچار نشده بلکه ابزارهای تسهیل کننده دیگر زندگی افراد دارای معلولیت هم، قیمتشان جهشی افزایش پیدا کرده و ما هم قدرت خریدمان بیشتر که نشده، کمتر هم شده.»

مصاحبه شونده شماره ۴ در خصوص فقدان فقدان حمایت مالی خانواده برای اشتغال فرد معلول و عدم اطمینان به سرمایه گذاری ابراز داشت:

«مشکلات مالی برای اشتغال افراد دارای معلولیت بسیار زیاده ولی برای خانواده هایی که دارای ۲ یا بیشتر از ۲ فرزند معلول هستند، این مشکلات بسیار سنگین تر بوده و حمایت مستمر از آنان، از عهده ی خانواده ها خارجه و وظیفه ای است که نهادهای حمایتی حتی یک لحظه هم نباید از آن غافل باشن.»

فردی و درونی

بخشی از موانع و مشکلات اشتغال معلولین جسمی - حرکتی به خود فرد بر می گردد و مشکلات فردی و روانشناختی است. متأسفانه مشکلات ناشی از بیماری معلولیت، وابستگی به دیگران، عدم پذیرش جامعه، نگاه تحرم آمیز دیگران و به خصوص عدم توانمندی ها و مهارت های لازم در این افراد باعث می شود که اعتماد به نفس پایینی داشته باشند.

پایین بودن میزان اعتماد به نفس در معلولین

شدت ناتوانی جسمی بر توانایی فرد برای پیدا کردن کار مناسب تأثیر می گذارد. به این ترتیب، ناتوانی خود باعث پایین آمدن میزان اعتماد به نفس در فرد معلول، در نتیجه گوشه گیری و بی انگیزگی فرد معلول را در پی دارد.

مصاحبه شونده شماره ۷ در خصوص پایین بودن میزان اعتماد به نفس در افراد دارای معلولیت ابراز داشت:

«به نظر من اهداف ما دور از دست نیست و می توان به آنها دست پیدا کرد، اینکه معلولیت تا حدی محدودیت میاره تا حدی وجود داره و منکر آن نمی شیم، منتها به عنوان مثال، فرد سالم ۵۰ درصد انرژی برای رسیدن به هدفش می ذاره ولی ما باید ۱۰۰ درصد انرژی بذاریم. شرایط را

مصاحبه شونده شماره ۳ در خصوص فقدان رفتار حمایتی اعضای خانواده از شاغل شدن فرد معلول ابراز داشت:

«برای خانواده ها به صرفه نیست که بدون کمک یک نهاد حمایتی و تامین کننده منابع مالی و درآمدی، برای اشتغال فرزندان معلول خود تلاش کنن؛ لذا در سطح کلان برای نهادهای حمایتی از این اقشار خطوط اعتباری ویژه ای دیده بشه که بتونن امکانات حمل و نقلی و ... مورد نیاز آنان را نیز فراهم کنه تا مسیر و راه قدری برای افراد دارای معلولیت هموارتر بشه.»

فقدان نگرش مثبت و اعتماد اعضای خانواده نسبت به توانایی های فرد معلول

دیدگاه خانواده نسبت به فرزند معلول خود همواره با تحرم همراه بوده است. البته این دیدگاه گاهی حالتی منفی هم به خود می گیرد. نگاه تحرم آمیز خانواده و عدم اعتماد نسبت به توانایی های فرزند معلول به استقلال مالی و فردی او منجر نمی شود، بلکه این نگرش به فرد معلول احساس ناراحتی را القا می کند.

مصاحبه شونده شماره ۱۰ در خصوص فقدان فقدان نگرش مثبت و اعتماد اعضای خانواده نسبت به توانایی های فرد معلول ابراز داشت:

«بعضی از اوقات توسط خانواده خود مورد تشویق قرار گرفتم اما با توجه به اینکه خانواده ام توان لازم در بعضی از زمینه ها را ندارند، در بیشتر مواقع اعتماد لازم نسبت بهم وجود نداره.»

مصاحبه شونده شماره ۱۱ در خصوص فقدان فقدان نگرش مثبت و اعتماد اعضای خانواده نسبت به توانایی های فرد معلول ابراز داشت:

«خانواده ها توانایی های بالقوه ما را نادیده می گیرن، به طوری که بسیاری از خانواده ها نسبت به اشتغال فرزند معلول خود تمایلی ندارند، اگرچه ما نسبت به توانایی های خود نیازمند اشتغالیم اما به بهانه های مختلف خانواده ها از اعتماد به ما سر باز می زنن.»

فقدان حمایت مالی خانواده برای اشتغال فرد معلول و عدم اطمینان به سرمایه گذاری

برخی از خانواده ها بضاعت مالی برای حمایت از ازدواج فرزندان را ندارند یا اینکه خانواده ترجیح می دهد به صلاح دید خود مخارج را در جای دیگری هزینه کند. این خود بخشی از موانع موجود بر سر راه اشتغال معلولین است. مصاحبه شونده شماره ۶ در خصوص فقدان فقدان حمایت

باید پذیرفت هر چند زحمت زیادی را می‌طلبد ولی دور از دسترس نیست.»

مصاحبه شونده شماره ۵ در خصوص پایین بودن میزان اعتماد به نفس در افراد دارای معلولیت ابراز داشت:

«من مدتی به خاطر برخوردهای اطرافیان خود در گوشه خانه می‌نشستم و دست به کاری نمی‌زدم، چونکه انگیزه‌ای در من وجود نداشت و یا اگر هم دست به کاری می‌زدم، نتیجه‌ی دلخواه خودم را نمی‌گرفتم و احساس می‌کردم که ناتوان هستم و نمی‌تونم در جامعه کار فعالیت نمایم.»

پایین بودن قدرت خطر پذیری معلولین در ایجاد شغل و کارایی

عدم توجه به نیازهای فردی و اجتماعی معلولین بخصوص در مورد اشتغال که زمینه اصلی استقلال و خودکفایی فردی و اجتماعی معلولین را فراهم می‌سازد، می‌تواند باعث صدمات روحی شدید به معلولین شود و نوعی طرد شدن را در زندگی شخصی و روابط اجتماعی و شغلی معلولین ایجاد می‌کند. ترس از ضعف بنیه اقتصادی و باور به ناتوانی در انجام هرگونه فعالیت اجتماعی و شغلی به‌منزله فنای کامل جنبه اجتماعی، اقتصادی و فردی می‌باشد و باعث از دست دادن اعتمادبه‌نفس و وابستگی بیش‌ازحد به دیگران از لحاظ اقتصادی و دنبال آن حقارت شخص در دیدگاه خود و دیگران می‌شود.

مصاحبه شونده شماره ۴ در خصوص پایین بودن قدرت خطر پذیری افراد دارای معلولیت در ایجاد شغل و کارایی ابراز داشت:

«معلولیت ما مانع رسیدن به اهداف مون نیست، اکنون سمت فلش انتقاد به سوی خودمونه تا وقتی که افراد دارای معلولیت در خانه بنشینن و در مجامع عمومی حضور پیدا نکنن و حس مطالبه‌گری نداشته باشن هیچ اتفاقی نمی‌افته و نمی‌تونن کاری از پیش بیرن. باید وارد عمل شد؛ توانایی‌هایمون را اول به خودمون و بعد به جامعه ثابت کنیم و بگوییم ما می‌تونیم و نمی‌ذاریم معلولیت ما مانع رسیدن به اهدافمون باشه و برامون محدودیت ایجاد کنه. من سختی‌های زیادی کشیدم و حتی بعضی مواقع ناامید هم شدم ولی دوباره بلند شدم و اومدم تا جامعه وجود مرا بپذیره و بفهمه که معلول می‌تونه کاره‌اش را انجام بده ولی باید انرژی بیشتری نسبت به دیگران صرف کنه تا به خواسته و هدفش برسه.»

مصاحبه شونده شماره ۹ در خصوص پایین بودن قدرت خطر

پذیری افراد دارای معلولیت در ایجاد شغل و کارایی ابراز داشت:

«قدرت خطرپذیری من در جامعه جهت ایجاد شغل و کارایی بسیار کمه؛ بعضی مواقع از کار کردن دست کشیدم ولی دوباره سعی کردم تا بتونم کارهام را انجام بدم و به خواسته‌ها و اهداف خودم برسیم.»

فقدان مهارت‌های لازم شغلی یا جدیت در یادگیری مهارت‌ها در معلولین

عدم توجه به نیازهای فردی و اجتماعی معلولین بخصوص در مورد آموزش مهارت‌های شغلی مناسب و هم چنین عدم وجود مربیان کارآموده فنی و حرفه‌ای برای آموزش به آنها عامل اصلی ایجاد بی‌انگیزگی افراد معلول در یادگیری مهارت‌های لازم شغلی می‌باشد.

مصاحبه شونده شماره ۵ در خصوص عدم توجه به نیازهای معلولین و مشکلات آموزش معلولین ابراز داشت:

«عدم توجه به نیازهای فردی و اجتماعی معلولین بخصوص در مورد آموزش مهارت‌های شغلی مناسب باعث می‌شه توانایی‌های بالقوه آنها نادیده گرفته بشه، همچنین بسیاری از مراکز آموزشی نسبت به آموزش افراد دارای معلولیت تمایلی ندارن، اگرچه افراد دارای معلولیت، موافق به کسب آموزش‌های لازم هستند اما به بهانه‌های مختلف از فرصت آموزش محروم می‌شن.»

مصاحبه شونده شماره ۱۰ در خصوص عدم توجه به نیازهای معلولین و مشکلات آموزش معلولین ابراز داشت:

«افراد دارای معلولیت فکر می‌کنن که توانایی برخوردار از مهارت‌های لازم شغلی را ندارن و یا در یادگیری مهارت‌ها نیز ناتوانند. عدم جدیت در آموزش مهارت‌های شغلی به افراد دارای معلولیت و هم چنین عدم وجود مربیان کارآموده فنی و حرفه‌ای برای آموزش؛ زمینه اصلی عدم جدیت یا بی‌انگیزگی ما در یادگیری مهارت‌های لازم شغلی میشن.»

بحث

این مطالعه با هدف بررسی موانع اشتغال معلولین جسمی و حرکتی صورت گرفت. تحلیل یافته‌ها منجر به سه مضمون اصلی «محیط و اجتماع» با چهار طبقه فرعی (موانع قانون گذاری و ساختاری، موانع آموزشی و مهارتی، موانع زیرساختی و محیط کار و فرهنگ سازی منفی)، طبقه اصلی «خانواده» با دو طبقه فرعی (فقدان حمایت و نگرش منفی)، و طبقه اصلی «فردی و درونی» با دو دسته فرعی

اجتماعی است. زمانی که معلولیت به عنوان یک مسئله اجتماعی شناسایی و ابعاد آن معرفی شد، آنوقت می‌توان امیدوار بود که نظام اجتماعی آمادگی آن را پیدا کرده است که برای حل این مسئله قدم‌های مهمی را بردارد. لازم به ذکر است که شناسایی مسئله تنها بخشی از این راه پرفراز و نشیب است. بخش مهم اصلاح نگرش‌ها در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظام سیاسی است. نظام تصمیم‌گیری جامعه نیازمند سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که از یکسو با رویکردی پیشگیرانه سطح سلامت جامعه را ارتقاء دهد و مانع از رشد معلولیت شود و از سوی دیگر با فراهم نمودن و مناسب سازی فرصت‌های اجتماعی شرایط عادلانه‌ای را برای حضور و مشارکت فعال و پررنگ معلولین فراهم سازد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که با توجه به تفاوت‌های ویژه‌ای که در معلولیت‌ها مشاهده می‌شود، این افراد با موانع بسیاری در زمینه اشتغال مواجه هستند و اما تسهیل‌کننده‌هایی در این زمینه وجود دارد که می‌توان آنها را در سطح ساختاری و کلان (مانند قانون‌گذاری، توانمندسازی اقتصادی، فرهنگ سازی و ...)، در سطح خانواده (حمایت مالی، حمایت عاطفی، تغییر نگرش خانواده، اعتماد به توانمندی‌های این قشر و ...) و در سطح فردی و درونی (توانمندسازی روانی، مهارت‌آموزی، آموزش، افزایش انگیزه، اعتماد به نفس، خودباوری، امید و ...) پیگیری نمود. بنابراین به منظور کاهش موانع اشتغال معلولین نیازمند برنامه‌ریزی ساختاری و کاربردی در سطوح مختلف هستیم که این امر تحقق یابد.

سیاسگزاری

انجام این پژوهش بدون همکاری صمیمانه معلولین محترم جسمی - حرکتی میسر نبود. لذا تیم تحقیق این پژوهش نهایت قدردانی خود را از تمامی این عزیزان و سایر افرادی که در به ثمر نشستن این پژوهش کمک نمودند، ابراز می‌دارد.

تعارض منافع

در نگارش مقاله، نویسندگان هیچ گونه تضاد منافی نداشته‌اند.

(خودناباوری و فقدان مهارت آموزشی) شناسایی شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش یکی از موانع قانون‌گذاری و ساختاری است که ناشی از قانون‌گذاری نادرست در این حوزه و عدم اجرای قوانین موجود می‌باشد.

براساس یافته‌های دیگر این پژوهش، موانع آموزشی و مهارتی بیانگر این است که بسیاری از افراد دارای معلولیت از نظر آموزش و مهارت دچار ضعف و کاستی هستند و جامعه نیز آنگونه که باید به این موضوع پرداخته است. همراستا با این نتایج پژوهش، شریفیان ثانی و همکاران (۱۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که با افزایش سطح مهارت افراد دارای معلولیت آموزش دیده، احتمال جذب آنان در بازار کار افزایش می‌یابد.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد موانع زیرساختی و فضای محیط کار بیانگر این است که اغلب محیط‌های شغلی، سازمان‌ها، اداره‌ها و انواع مشاغل ما به گونه‌ای است که افراد دارای معلولیت نمی‌توانند در این محیط‌ها مشغول به کار شوند و استانداردهای لازم در نظر گرفته نشده است.

یافته دیگر این پژوهش هم چنین نشان داد که فرهنگ سازی و عدم پذیرش محیط و جامعه بیانگر این است که بسیاری از مردم هنوز نتوانسته‌اند حضور افراد دارای معلولیت را بپذیرند و به توانمندی‌ها و کارآمدی آنها اعتماد و باور ندارند.

براساس یافته‌های دیگر این پژوهش موانع فردی و درونی بیانگر این است شدت ناتوانی جسمی بر توانایی فرد برای پیدا کردن کار مناسب تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب، ناتوانی خود باعث پایین آمدن میزان اعتماد به نفس در افراد دارای معلولیت، در نتیجه انزوا، گوشه‌گیری و بی‌انگیزگی به علاوه احساس ناتوانی و سربار بودن و عدم تلاش را در فرد معلول در پی دارد. هم چنین فرجی (۱۴) در پژوهش خود بیان می‌کند که اشتغال، لازمه زندگی بشر است، زیرا دوام و بقای جامعه و زندگی هر فرد مستلزم کار و فعالیت است. اشتغال علاوه بر تأمین معاش؛ احترام، اعتماد به نفس و سلامت، تقویت روحیه نیز ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری

معلولیت بیشتر از آنکه مسئله‌ای فردی باشد یک مسئله

References

1. Latifian M, BaniAsad A, Kamali M. Examining social dimensions of disability, a systematic review. *Social work research paper*. 2021;7(26):53-101.
2. Tyrie LS, Mosenthal AC. Care of the family in the surgical intensive care unit. *Anesthesiology clinics*. 2012;30(1):37-46. <https://doi.org/10.1016/j.anclin.2011.11.003>
3. Payot A, Barrington KJ. The quality of life of young children and infants with chronic medical problems: review of the literature. *Current problems in pediatric and adolescent health care*. 2011;41(4):91-101. <https://doi.org/10.1016/j.cppeds.2010.10.008>
4. Meshbaki A, Meshbaki M. Identifying effective criteria for improving environmental quality in the architectural design of rehabilitation centers for the physically-motor disabled. *Applied studies in social sciences and sociology*. 2019;6(2):37-50.
5. Aran M, Ardjomand-Hessabi M, Akbar Fahimi M, Vejdani M, Kamali M. Students' Psychometric Properties of a Scale Measuring Attitudes toward People with Disabilities. *Journal of Sabzevar University of Medical Sciences*. 2017;24(4):211-6.
6. Ebrahiminejad M, Sepharnia A, Askari M. Identifying and prioritizing obstacles to the employment of disabled people in the private sector from the perspective of entrepreneurs and disabled people with the ANP approach. 2018.
7. Shaabani M, Mahmoudi S. Investigation of the effectiveness of protective laws and regulations on the willingness of disabled women in Tehran to work. *Strategic studies of women*. 2019;21(82):35-55.
8. Vakil al-Raaya Y, Obeani F. Analysis of the effectiveness of factors affecting the employment and business start-up of disabled people. *Development and Transformation Management Quarterly*. 2019;1398(39):51-60.
9. Hwang SK, Roulstone A. Enterprising? Disabled? The status and potential for disabled people's microenterprise in South Korea. *Disability & Society*. 2015;30(1):114-29. <https://doi.org/10.1080/09687599.2014.993750>
10. Sadeghi S, Fatemina MA. disability; The hidden half of society: a social approach to the situation of disabled people in the world and in Iran. 2015.
11. Nikkhah, Hedaytullah, Fadayi, Samiya. Investigating the economic, socio-cultural and psychological needs of disabled people (case study: disabled people under the supervision of Bandar Abbas welfare). *Hormozgan cultural research journal*. 2015;10(5):31-44.
12. Satvat A, Khodabakhshi-Koolae A, Falsafinejad MR. Identifying the challenges Marriage of Person with Physical-Motor Disabilities in Tehran: A phenomenological study. *Iranian Journal of Rehabilitation Research*. 2019;5(2):55-62.
13. Sharifian-Thani S, Kazemnejad, A. Girls and women with physical-motor disabilities: needs and problems. *Rehabilitation Archive Quarterly*. 2006;7(2):41-8.
14. Faraji A. comparative study of the principle of non-discrimination based on disability in the field of employment. *Medical law*. 2014;29(8):167-95.